

[ضابطه الغای خصوصیت از رجل در خطابات 1](#_Toc501634222)

[استفاده از قاعده در کلام مرحوم حکیم ره 1](#_Toc501634223)

[شمول ضابطه و قاعده بر سایر خطابات ذکور 2](#_Toc501634224)

[شمول وضعی صیغ مذکر نسبت به اناث 2](#_Toc501634225)

**موضوع**: قتل به تسبیب /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

ضابطه الغای خصوصیت از رجل در خطابات

به مناسبت بحث از صحیحه زراره در مورد فرض امر غیر بر قتل، و وجود «رجل» در متن روایت، قاعده و ضابطه ای بیان شد که به موجب آن مواردی که از این واژه الغای خصوصیت می شود، و در نتیجه حکم در آن ها اختصاصی به رجل ندارد روشن می شود، یعنی مواردی که در آن ها حکم و خطاب متوجه خود رجل است و در غیر آن این عنوان طبق اصل و قاعده، از عناوین احترازی و دارای موضوعیت می باشد.

استفاده از قاعده در کلام مرحوم حکیم ره

در کلمات مرحوم حکیم قدس سره در موارد مختلفی به این قاعده تصریح شده است، به عنوان نمونه در بحث قضای نمازهای میت، این گونه آمده است که بر اساس روایات مختلف آن چه از نماز و روزه که از شخص میت فوت شده است، بر عهده فرزند بزرگ ذکور او است؛ «وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ‌ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ صَلَاةٌ أَوْ صِيَامٌ- قَالَ يَقْضِي عَنْهُ أَوْلَى النَّاسِ بِمِيرَاثِهِ- قُلْتُ فَإِنْ كَانَ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ امْرَأَةً فَقَالَ لَا إِلَّا الرِّجَالُ.».[[1]](#footnote-1) در این جا حکم به قضا متوجه به ولی این رجل (میت) است، لذا ضابطه الغای خصوصیت را ندارد و در نتیجه این حکم مختص به اموات مرد خواهد بود، کما این که فقهای عظام نیز این گونه معتقد شده اند و قضای فوائت مادر را بر عهده فرزند ذکور نمی دانند، بر خلاف جایی که در خطاب نسبت به وظیفه مردی که نماز و روزه اش فوت شده است، حکم به وجوب قضای این فوائت از سوی خودش شده باشد، که در این صورت الغای خصوصیت می شود و شامل زن نیز می شود و بر او نیز قضای فوائت خودش واجب خواهد بود.

أن الثابت من القاعدة هو إلحاق النساء بالرجال في الأحكام الموجهة إليهم المخاطبين بها مثل: يجب على الرجل كذا، و يحرم عليه كذا، فالرجل إذا كان موضوعاً للخطاب بحكم كانت المرأة مثله، و لا يشمل مثل ما نحن فيه مما كان الرجل قيداً لموضوع الحكم. فلاحظ.[[2]](#footnote-2)

شمول ضابطه و قاعده بر سایر خطابات ذکور

به نظر می رسد که نکته و ضابطه ای که برای الغای خصوصیت بیان شد، مختص به عنوان «رجل» نیست، بلکه در سایر خطابات به صیغ ذکور نیز این ضابطه و قاعده جریان دارد مثل«یا ایها الذین آمنوا» و مانند آن، که در موارد فراوانی از آیات قرآنی هم دیده می شود.

شمول وضعی صیغ مذکر نسبت به اناث

نکته ای که در این جا باید توجه کرد، این است که علاوه بر این که در این خطابات الغای خصوصیت با چنین ضابطه ای صورت می گیرد، می توان گفت علاوه بر این امر، می توان قائل شد که شمول این خطابات نسبت به نسوان، به وضع است، و در واقع وضع این گونه خطابات اختصاصی به مردان ندارد و البته این شمول به مقتضای مجاز و تغلیبی که در جمع مذکر و در قواعد ادبی دیده می شود، نیست، بلکه از باب وضع و حقیقت چنین شمولی وجود دارد و بر این اساس در صورتی که متکلم از خطاب جمع مذکر، ارده اختصاص به نسوان را داشته باشد، مرتکب مجاز گویی شده است.

در حقیقت این شمول در این صیغ، دو بیان دارد، یکی همان الغای خصوصیتی که نسبت به عنوان رجل بیان شد که بر اساس این بیان، مدلول استعمالی لفظ مختص به ذکور است، ولی مراد تفهیمی آن اعم است، مثل «زید کثیر الرماد»، که مدلول استعمالی اش همین معنای ظاهری است که دارد و مراد تفهیمی اش، اثبات و بیان جود نسبت به زید است.[[3]](#footnote-3)

بیان دیگری که در مورد این شمول می توان گفت این است که اصلا این خطابات صیغه جمع مذکر، مختص به ذکور نیستند و از ابتدا چنین اختصاصی نیست تا به واسطه تغلیب و مجاز، حکم به تعمیم شود، لذا در آیه شریفه ای مثل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»[[4]](#footnote-4) وجوب صوم از ابتدا اختصاصی به مردان ندارد و شامل زنان نیز می شود.

شاهد بر این بیان نیز این که در مواردی مثل جهاد که حکم اختصاص به مردان دارد، مقیدات و مخصصاتی آمده است و گویی به جهت شمول اولیه خطاب نسبت به زنان، چنین مقیدات و مخصصاتی ذکر شده است؛ «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ.»[[5]](#footnote-5)

شاهد دیگری که بر این بیان وجود دارد، روایت شریفه « طلب العلم فریضة علی کل مسلم»[[6]](#footnote-6) که در نقل های معتبر عطف «مسلمة» بر «مسلم» در آن وجود ندارد، ولی با این حال شمولش نسبت به زنان معهود است و لذا حتی در مدارس دخترانه هم برای ترویج علم آموزی از این روایت استفاده می شود.

در نهایت اگر هضم این بیان برای کسی مشکل بود، می توان در این جا جمع مذکر را دارای دو وضع دانست، که یکی وضع مختص به ذکور و دیگری وضعی جامع نسبت به اناث است.

این اشکال به قواعد ادبی و آن چه به عنوان علم صرف و نحو مدون شده است، مختص به این جا نیست، بلکه بزرگی مثل مرحوم آخوند خراسانی قدس سره هم نسبت به دلالت فعل بر زمان که در بین ادبا مشهور و معروف است، اشکال دارد و فعل را دارای دلالتی بر زمان نمی داند.

1. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص330، أبواب احکام شهر رمضان، باب23، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/330/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج8، ص510.](http://lib.eshia.ir/10152/8/510/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . طبق فرمایش حضرت استاد دام ظله، مختار ایشان وجود مرحله سومی در کلام که همان مراد تفهیمی است، می باشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره بقره، آيه 183. [↑](#footnote-ref-4)
5. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص9.](http://lib.eshia.ir/11005/5/9/) [↑](#footnote-ref-5)
6. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص31.](http://lib.eshia.ir/11005/1/31/) [↑](#footnote-ref-6)